

# تجربه

## یک پله گذار

گفت‌وگو با اردوان مجیدی، پژوهشگر حوزهٔ تعلیم و تربیت



لیلا صمدی

### اشاره

**اردوان مجیدی**، پژوهشگر و دانش‌آموخته رشتهٔ مهندسی رایانه است که زمینهٔ اصلی پژوهشی وی، مهندسی سیستم و طراحی سیستم‌های نهادی و اجتماعی است. وی در کتاب «نظام برتر: آیندهٔ آموزش و آموزش آینده» (۱۳۸۰) با رویکردی آینده‌نگرانه و از زاویهٔ مهندسی، نظام تحولات جامعه را به‌عنوان مطالبه‌ای برای نظام تعلیم و تربیت تعریف کرده و بر این اساس به تبیین مأموریت نظام تعلیم و تربیت پرداخته است. مجیدی به دنبال پژوهش نظری صرف نیست، بلکه آن‌گونه پژوهش‌های نظری را مدنظر دارد که سازوکارهای عملیاتی را در حد نظریه‌پردازی‌ها داشته باشد و بتواند به شکل معماری منسجمی یک نظام را طراحی کند و این معماری و نظام در بدنهٔ جامعه اجرا شود.

مجیدی در حوزهٔ برنامهٔ درسی نیز به مدل‌سازی پرداخت. او با تأسیس «مدرسهٔ حکمت» در میدان عمل وارد شد و مدل برنامهٔ درسی خود را اجرا کرد. مجیدی در تازه‌ترین اثر خود، کتاب «گذار در بحران» (۱۳۹۹)، تغییر آرایشی را که در شرایط بحرانی کرونا و نیز شرایط پسا کرونا در نظام تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتد، تحلیل و بررسی کرده و معماری نظام گذار را با مقایسه‌ای بین معماری نظام کنونی و معماری نظام برتر تبیین کرده است. آنچه در ادامه می‌خوانید، مختصری از گفت‌وگوی ما با اردوان مجیدی پیرامون مباحث مطرح‌شده در همین کتاب است.

### چه ضرورتی برای نوشتن کتاب «گذار در بحران» احساس کردید؟ مخاطبان این کتاب چه کسانی هستند؟

ما در شرف تحولی عمیق در جامعه هستیم. تمدنی سایبری در حال شکل‌گیری است که شکل جدیدی از زندگی و پدیده‌های متفاوتی را در دل خود ایجاد می‌کند. ما باید از این پدیده‌ها به شکل مناسبی استفاده کنیم و درگیر آن‌ها شویم. مأموریت نظام تعلیم و تربیت، همان‌طور که من در کتاب «نظام برتر» به آن پرداخته‌ام، این است که بچه‌ها را برای ایفای نقش در جامعه و همین‌طور ساختن جامعهٔ آینده تربیت کند.

وقتی می‌خواهیم برای جامعه‌ای که با سرعت حرکت می‌کند، نسخه بپیچیم، اگر نسخهٔ ما فقط به وضعیت فعلی جامعه بپردازد، هر وقت به آن برسیم، باز هم عقب هستیم. پس باید جلوتر را ببینیم. اگر قرار است بچه‌ها نیازهای جامعه را بسازند، باید بچه‌هایی را تربیت کنیم که از جامعهٔ خود جلوتر باشند؛ آن‌قدر جلوتر که بتوانند دست جامعه را بگیرند و آن را به جلو بکشند. تعلیم و تربیت و مدرسه در جامعه نقش توسعه‌دهنده دارند. اگر این‌طور باشد، وقتی شما وارد فضای مدرسه می‌شوید، باید احساس کنید از جامعهٔ معمول چند پله جلوتر آمده‌اید و وارد جامعه‌ای پیشرفته‌تر و غنی‌تر شده‌اید.

یعنی شما در مدرسه باید احساس کنید به محیطی وارد شده‌اید که فرهنگ و فهم ۱۰ سال بعد را دارد؛ محیطی که باورها و مهارت‌هایی که ۱۰



سال بعد در جامعه جاری می‌شوند، در آن

جاری هستند.

بحران کرونا جامعهٔ تعلیم و تربیت را درگیر یک شوک کرد و این بحران جامعه را واداشت اتفاقاتی را رقم بزند. کتاب «گذار در بحران» وضعیت جاری ما را تبیین می‌کند. مخاطبان این کتاب هم‌زمان پنج قشر هستند. تحول اتفاق نمی‌افتد، مگر اینکه اقبال پنج‌گانهٔ دانش‌آموزان، خانواده‌ها، مربیان، توسعه‌دهندگان بسترها و زیرساخت‌های تعلیم و تربیت و متولیان سکوها (پلتفرم‌های رایانه‌ای و نظایر آن‌ها)، و برنامه‌ریزان و متولیان نظام تعلیم و تربیت که در این زمینه نقش دارند، بتوانند درست بازی کنند.

### ■ از نظریه‌هایی که در کتاب گذار در بحران به آن‌ها پرداخته‌اید یا تئوری حاکم بر کتابتان، بفرمایید.

□ در این کتاب نظریه‌پردازی‌های متفاوتی از زاویه‌های علوم اجتماعی، فناوری اطلاعات و تعلیم و تربیت در کنار هم قرار گرفته‌اند. سعی کرده‌ام نظریه‌هایی را که شالوده‌های نظام تعلیم و تربیت را می‌سازند، در یک مدل معماری یکپارچه و همگون تبیین کنم.

یک وجه آن، نظریهٔ تحول در شکل‌گیری یک تمدن متفاوت است که به آن «تمدن سایبری» می‌گوییم. بحث ما فقط این نیست که از فناوری جدید استفاده می‌کنیم. این فناوری جنس زندگی ما را عوض می‌کند و عوامل شکل‌دهندهٔ مدنیت را در جامعهٔ ما تغییر می‌دهد. قاعدتاً این عوامل باید در نظام‌های تعلیم و تربیت هم مورد توجه قرار گیرند.

نظریهٔ دیگر این کتاب، حکمرانی و ساختارهای حکمرانی در این تمدن سایبری است. از این زاویه به این نظریه پرداخته‌ام که اگر می‌خواهید یک نظام عملیاتی داشته باشید و یک حکمرانی را در پهنهٔ نظام حاکمیتی ایجاد کنید، چطور می‌توانید این اتفاق را رقم بزنید. به تعلیم و تربیت در حوزهٔ برنامهٔ درسی نیز از این زاویه ورود پیدا کردم که چگونه عناصر اصلی برنامهٔ درسی کنار هم قرار می‌گیرند و بافت یکپارچه و همگونی را برای برنامهٔ درسی در فضای در حال شکل‌گیری به وجود می‌آورند.

نظریهٔ دیگر، رویکرد استاد-شاگردی است. در نظام صنعتی، شیوهٔ تولید کارخانه‌ای و انبوه‌مربی را به مجری فرمان‌های نظام رسمی تعلیم و تربیت تبدیل کرد، اما الان نقش مربیگری و استادی دارد، به معلم برمی‌گردد و اختیاراتی به او داده می‌شود. در ارتباط با مدل‌های سکوها و نقش و جایگاه آنان نیز بحث‌های نظری متفاوتی در کتاب آورده‌ام.



**مطلوب است که خانواده علاوه بر اینکه ولی کودک است، مرشد، مربی و راهبر کودک باشد معلمان نشان داده‌اند اگر شما میدان بازی را در اختیارشان قرار دهید، آن‌ها هم خلاق می‌شوند**

### ■ شما در کتاب گذار در بحران اشاره کرده‌اید، نظام رسمی که تأکیدش بر تمرکز و هم‌گرایی محتوا و روش‌های آموزشی بود، مجبور شد در دوران کرونا از مواضع خود به نوعی کوتاه بیاید. رویکرد تمرکزگرایی نظام آموزش و پرورش را چگونه می‌بینید؟

□ در دفاع از نظام متمرکز گفته می‌شود، ما برای اینکه عدالت آموزشی را برقرار کنیم، باید نظام متمرکزی داشته باشیم که همه یکسان باشند؛ در صورتی که نظام توزیع‌شده الزاماً به معنای از بین رفتن عدالت نیست، بلکه گاه ممکن است تمرکز کاملاً ناعادلانه انجام شود. اگر بتوانیم نظام تعلیم و تربیتی ایجاد کنیم که متناسب با شرایط محیطی و نیازمندی‌های جامعهٔ ما باشد، آن موقع توانسته‌ایم عدالت آموزشی برقرار کنیم.

اینکه یک تولید واحد و الگوی همسانی را به همه جا تجویز کنیم، در شرایط جامعهٔ تمدنی امروز جواب نمی‌دهد. ما با جامعه‌ای مواجه هستیم که «تحول سریع»، «افزایش تنوع» و «پیچیدگی»، سه ویژگی بارز آن هستند. این خصوصیات سه‌گانه و نبود تمرکز در ذات تمدن سایبری نهفته است. شما برای ایجاد تعلیم و تربیت در این

تمدن مجبورید و راه دیگری هم ندارید که از نظام متمرکز کنده شوید و به سراغ نظام چابک توزیع‌شده، متکثر و متنوع بروید که به افراد اجازه می‌دهد درگیر میدان شوند و خلاقیت خود را بروز دهند. ما الان شاهد تجربهٔ محدود آن در پلهٔ گذار هستیم.



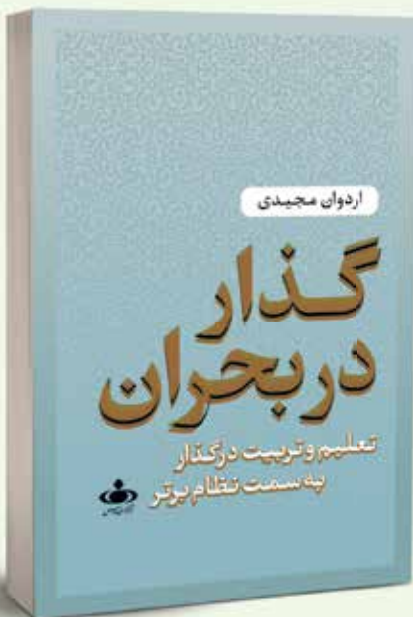
اصل این ماجرا در پله‌های بعدی است که در کتاب «نظام برتر» به آن اشاره کرده‌ام.

## ■ چالش‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت در دوره فعلی را چه می‌دانید؟

□ مهم‌ترین چالشی که آموزش و پرورش ما با آن مواجه است، بحران هویت و مأموریت آن است. آموزش و پرورش نمی‌تواند به‌سادگی به این سؤال پاسخ دهد که چرا هست و چرا بچه‌ها را به مدرسه می‌فرستیم. ما با مسائل فنی، تکنیکی و عملیاتی کنار می‌آییم و برای آن راه‌حل پیدا می‌کنیم. آنچه کنار آمدن با آن برای ما مشکل است، فهم تغییر، ماهیت تغییر و باور کردن تغییری است که در حال اتفاق افتادن است.

## ■ به نظر شما در دوران پسا کرونا چه تغییراتی را نسبت به دوران قبل از کرونا در نظام تعلیم و تربیت خواهیم داشت؟

□ تمام مشخصه‌هایی که در آموزش دوران کرونا اتفاق افتاده‌اند و اتفاق می‌افتند، در تعلیم و تربیت تمدن سایبری وجود داشته‌اند. یعنی اگر ما این مسیر را می‌رفتیم (بدون بحران کرونا)، دیر یا زود این شیوه آموزشی که در دوران کرونا اجرا شد، کم‌وبیش در نظام تعلیم و تربیت اتفاق می‌افتاد. با کرونا نظام تعلیم و تربیت مجبور شد این شیوه را بپذیرد. وقتی مدرسه‌های ما در پسا کرونا دوباره شکل بگیرند، به سادگی به مدل تعلیم و تربیت قبل از کرونا بر نخواهند گشت. اتفاقی که الان می‌افتد، همه خصوصیت نظام تعلیم و تربیت مطلوب را شامل نمی‌شود. بلکه به خاطر شرایطی که کرونا دارد، طیفی از این خصوصیات انتخاب می‌شوند.



«خودفراگیری» یکی از خصوصیات مطلوب این شرایط بود که در نظام تعلیم و تربیت اتفاق افتاد. خودفراگیری به این معناست که بچه‌ها خودشان یاد بگیرند و درگیر یادگیری شوند و مربی به‌عنوان تسهیل‌کننده و راهنما کنار آن‌ها باشد. ما اجازه نمی‌دادیم خانواده‌ها در فضای تعلیم و تربیت مداخله کنند. اما الان نظام تعلیم و تربیت مجبور شده است نقش مربیگری را به خانواده بدهد و مجبور است در آینده نیز این روال را ادامه دهد. مطلوب است که خانواده، علاوه بر اینکه ولی کودک است، مرشد و مربی کودک باشد و راهبری کودک را نیز به او برگردانیم.

استفاده از بسته‌های آموزشی و ابزارها و فناوری نیز نمونه‌های دیگری از ابعاد نظام تعلیم و تربیت تمدن سایبری هستند که در شرایط کرونایی محقق می‌شوند.

یکی از مطلوبیت‌هایی که در نظام تعلیم و تربیت تمدن سایبری وجود دارد، اما در شرایط کرونایی محقق نشده، آموزش مبتنی بر کاربرد است. در نظام کرونا به این نوع آموزش نیازی احساس نشد و تعلیم و تربیت به سراغ این مطلوبیت نرفت. بچه‌ها باید زندگی واقعی را در مدرسه تجربه کنند (آموزش زندگی). اما این اتفاق اکنون رقم نمی‌خورد.

هنوز برنامه‌ریزان نظام آموزشی ما متوجه نشده‌اند کتاب درسی از گردونه تعلیم و تربیت ما خارج شده است. مدیران نظام تعلیم و تربیت اعلام می‌کنند کتاب درسی را به بسته آموزشی تبدیل کردیم، در صورتی که بسته آموزشی کتاب درسی چندرسانه‌ای نیست. بلکه نوع متفاوتی از هدف‌های آموزشی و نوع متفاوتی از شیوه‌ها و فرایندهای آموزشی در آن جاری است.

## ■ فکر می‌کنید معلمان توانسته‌اند با شرایط کرونا به درستی هماهنگ شوند؟ عملکرد آنان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ بهترین قشری که در این مدت عمل کرده است، معلمان بوده‌اند. آن‌ها توانسته‌اند خودشان را تطبیق دهند و از خودشان خلاقیت نشان داده‌اند. معلمان بیشتر از همه بار نظام آموزشی را به دوش می‌کشند. اکنون معلمان میدان به‌نسبت بازتری را پیدا کرده و نشان داده‌اند اگر شما میدان بازی را در اختیارشان قرار دهید، آن‌ها هم خلاق می‌شوند.

